

# تاریخ بیهق

بقلم آقای میرزا محمد خان قزوینی

۲

مآخذ - بعضی از کتب که اسمی از مؤلف این کتاب ابوالحسن بیهقی یا از یکی از تألیفات او برده اند ذیلاً اشاره اجمالی بآنها میشود تا هر کس مایل باطلاعات بیشتری در خصوص مؤلف کتاب باشد بدانها رجوع نماید :

۱ - یاقوت در معجم الادباء ج ۵ ص ۲۰۸ - ۲۱۸ ترجمه حال جامع مبسوطی از بیهقی از قول خود او در کتاب مشارب التجارب و غوارب الغرائب او ذکر نموده است و فهرست جمیع یا اغلب مصنفات او را درین ترجمه حال بدست داده است و علاوه بر این در مواضع مختلفه دیگر از معجم الادباء مکرر از همین مشارب التجارب و از و شاح الدیمه تألیف دیگر بیهقی فصول متعدده نقل کرده است ، از جمله فصلی راجع بترجمه حال صاحب بن عباد<sup>۱</sup> و علی بن احمد فنجکزدی<sup>۲</sup> و باخرزی معروف صاحب دیمه القصر<sup>۳</sup> - و نیز همو در کتاب دیگر خود معجم - البلدان بسیار مکرر گو یا نه یا ده مرتبه<sup>۴</sup> از همین بیهقی مانحن فیه بدون تسمیه کتابی مخصوص از و فصولی راجع بجزرافیای قری و قصبات ناحیه بیهق و نیشابور نقل نموده است و بهمین مناسبت باحتمال بسیار قوی جمیع این فصول از همین تاریخ بیهق حاضر باید منقول باشد بخصوص که

۱ - معجم الادباء ج ۲ ص ۳۱۴ - ۳۱۵ نقلاً از مشارب التجارب.

۲ - ایضاً، ج ۵ ص ۱۰۳ از و شاح الدیمه.

۳ - ایضاً، ج ۵ ص ۱۲۱ بدون تسمیه کتابی، و ص ۱۲۴ - ۱۲۸ نقلاً از

مشارب التجارب.

۴ - رجوع کنید بمعجم البلدان در تحت عناوین بشت، و بشتنفروش، و بیشک، و نکاف، و رخ، و ربوند، و زام، و زاوه، و زوزن، - و نیز رجوع بفهرست آن کتاب طبع لیبزک در تحت عنوان «البیهقی ابوالحسن (علی بن زید)» ص ۳۵۳

یا قوت بتصریح خود او تاریخ بیهق را شخصاً دیده<sup>۱</sup> بوده و بلاشک از آن استفاده نموده بوده است و اگر کسی فرصت مقابله منقولات یا قوت را با تاریخ بیهق داشته باشد البته صحت یا بطلان این احتمال را آسانی میتواند معلوم نماید.

۲ - ابن الاثیر در تاریخ کامل<sup>۲</sup> در حوادث سنه ۵۶۸ فصلی راجع بتاریخ خوارزمشاهیان از مشارب التجارب مؤلف نقل کرده است.

۳ - ابن ابی اصیبعه در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء فصلی از مشارب التجارب بیهقی با رسم و رسم نقل کرده است<sup>۳</sup>.

۴ - ابن خلکان تمام ترجمه حال شیخ رئیس ابوعلی سینا یا قسمت عمده آنرا بتصریح خود او از «تممة صوان الحکمه» مؤلف نقل نموده است<sup>۴</sup> و نیز در ترجمه حال علی بن حسن باخرزی معروف صاحب دمیة القصر اشاره اجمالی بوشاح الدمیة بیهقی کرده<sup>۵</sup>.

۵ - علاءالدین عظاملک جوینی صاحب تاریخ جهانگشا در جلد دوم آن کتاب در صفحه اول فصلی راجع بتاریخ خوارزمشاهیان از مشارب التجارب بیهقی نقل نموده است ولی سهواً این کتاب را ذیل تجارب الامم ابوعلی مسکویه پنداشته و حال آنکه بتصریح خود بیهقی در همین تاریخ بیهق ورق ۷۸a (ص ۱۳) کتاب مشارب التجارب ذیل تاریخ یمینی است نه ذیل تجارب الامم مسکویه، چنانکه گوید: «ومن از آخر کتاب یمینی تاریخی ساختم نام آن مشارب التجارب وغوارب الغرائب الی یومنا هذا». و همانا منشأ سهو جوینی ظاهراً کلمه «تجارب» در مشارب التجارب بوده است

۱ - در معجم الادباء ج ۵ ص ۲۱۳ در ترجمه حال بیهقی گوید: «قال المؤلف وجدت له تاریخ بیهق بالفارسیه و کتاب اباب الاساب».

۲ - تاریخ اتمام کامل ابن الاثیر سنه ۶۲۸ است.

۳ - عیون الانباء طبع مصر ج ۱ ص ۷۲ - تألیف عیون الانباء فی طبقات الاطباء در حدود سنه ۶۴۳ بوده است.

۴ - «وقات نقات هذا جمیعہ من کتاب تممة صوان الحکمة تألیف الشیخ ظہیر الدین ابی الحسن بن ابی القاسم البیهقی»، (ابن خلکان طبع طهران ج ۱ ص ۱۶۹).

۵ - «وقد وضع علی هذا کتاب ابو الحسن علی بن زید البیهقی کتابا سماه و شاح الدمیة وهو کالدلیل له» (ایضاً ص ۳۹۵).

که جوینی توهم نموده که اشاره بتجارب الامم مسکویه است، بخصوص که موضوع هر دو کتاب یعنی هم تاریخ یمینی وهم تجارب الامم مسکویه هر دو تاریخ است و هر دو نیز درازمنه متقاربه تألیف شده اند: تجارب الامم در حدود سنه ۳۷۰ و تاریخ یمینی در حدود سنه ۴۱۰ء. و شکی نیست که مراد از «تجارب» در مشارب التجارب معنی لغوی آنست که جمع تجربه باشد.

۶ - حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (مؤلف در سنه ۷۳۰) مشارب التجارب را در جزو و مأخذ خود می شمرد (طبع اوقاف گیب ص ۸).

۷ - حاجی خلیفه در کشف الظنون در تحت عناوین تاریخ بیهقی و دمیة - القصر و غرر الامثال و درر الاقوال و کتاب العروض و کنز الحجج فی الاصول و مشارب التجارب و غوارب الغرائب و وشاح دمیة القصر و قوام علوم الطب ( و شاید در غیر این موارد نیز) ذکر از مؤلف و بعضی تألیفات او کرده است.

۸ - ذری<sup>۱</sup> مستشرق معروف هلاندی در فهرست نسخ عربی و فارسی و ترکی لیدن (هلاند) ج ۲ ص ۲۹۴-۲۹۵ بمناسبت نسخه که از اختصار تنمة صوان الحکمة تألیف بیهقی در آن کتابخانه موجود است شرحی مفید از مؤلف و از آن کتاب او مسطور داشته است.

۹ - ساخائو<sup>۲</sup> مستشرق معروف آلمانی در دیباچه کتاب الانارالباقیه لابی ریحان المیرونی صفحه سی الی سی و دو ترجمه حنل ابوریحان را بعین عبارت از کتاب تنمة صوان الحکمة بیهقی نقل کرده است و باین مناسبت شرح حال مختصری نیز از مؤلف مرقوم داشته است.

۱۰ - ریو<sup>۳</sup> مستشرق معروف انگلیسی در ذیل فهرست نسخ فارسی موجوده در موزه بریطانیه ص ۶۰-۶۱ بمناسبت اینکه نسخه از تاریخ بیهقی در آن کتابخانه موجود است شرح مفیدی از آن کتاب و از مؤلف آن نگاشته و عناوین مهمه کتاب را نیز بدست داده است.

۱۱ - پرچ<sup>۴</sup> مستشرق معروف آلمانی در فهرست نسخ فارسی

موجوده در کتابخانه دولتی برلین ص ۵۱۶ بمناسبت اینکه نسخه دیگر از تاریخ بیهق (که همین نسخه حاضر باشد) در آن کتابخانه موجود است شرحی از مؤلف و ازین کتاب او ذکر نموده است.

۱۲ - اهلورد<sup>۱</sup> مستشرق معروف آلمانی در فهرست نسخ عربی

موجوده در کتابخانه دولتی برلین ج ۹ ص ۴۵۷ - ۴۵۸ بمناسبت اینکه نسخه از تنمّه صوان الحکمة مؤلف در آن کتابخانه موجود است ترجمه حالی از مؤلف و وصف مفید مشروحی از خود کتاب با انتخاباتی از عناوین آن بدست داده است.

۱۳ - بارتولد مستشرق معروف روسی در دایرة المعارف اسلام

در تحت عنوان بیهقی (ج ۱ ص ۶۰۴-۶۰۵) شرح مفیدی راجع بترجمه حال مؤلف و وصف دو کتاب معروف او یکی مشارب التجارب و دیگری همین تاریخ بیهق و اهمیت فوق العاده این کتاب برای تاریخ ایران و لزوم حتمی طبع آن نگاشته است و همو در کتاب موسوم به «ترکستان» خود که اخیراً از روسی بانگلیسی ترجمه شده و در اوقاف گیب بطبع رسیده است باز از بیهقی و تاریخ بیهق و تنمّه صوان الحکمة و مشارب التجارب او شرحی مفید مسطور داشته است. و علاوه بر این در تضعیف آن کتاب یعنی ترکستان مکرراً تاریخ بیهق فقراتی نقل کرده یا حواله بدان داده است.

۱۴ - در حواشی راقم این - طور بر چهار مقاله نظامی عروضی

سمرقندی ص ۲۱۷-۲۱۸ نقلاً از کتاب المظفریه و آن نیز نقلاً از فردوس - التواریخ مولانا خسرو ابرقوهی حکایتی ازین ابوالحسن بیهقی مؤلف تاریخ بیهق در خصوص ملاقات او با عمر خیام در سنه ۵۰۵ و سؤال خیام از او معنی بیتی از حماسه را مسطور است، ولی چون در اصل فردوس التواریخ یاد منقولات المظفریه از آن کتاب اسمی از مأخذ این حکایت برده نشده است عجلاله معلوم نشد که خسرو ابرقوهی از کدام يك از مؤلفات بیهقی این فقره را نقل کرده است و در هر صورت از مقایسه تاریخ ۵۰۵ هجری

با تاریخ تولد مؤلف که چنانکه گفتیم در حدود ۴۹۰ بوده است معلوم میشود که، بیهقی در هنگام ملاقات با عمر خیام ظاهراً جوانی بوده است. پانزده شانزده ساله که بمجلس استاد معمر هفتاد هشتادساله حاضر شده بوده است و لابد بیشتر بقصد تیمن و تبرک و مباحث و افتخار و یا بقصد استفاد و استفاد و تعلم، زیرا عمر خیام در سنه ۴۶۷ بمصر بح ابن الاثیر در حوادث همین سال از مشاهیر منجمین عصر خود محسوب می شده است چه سلطان ملکشاه سلجوقی او را و جمعی دیگر از منجمین را در همین سال برای تأسیس تاریخ جلالی و بستن رصد مأمور نمود، پس اگر باقل تقدیرات در آن تاریخ سن خیام را سی ساله هم فرض کنیم باز بالضرورة در سنه ۵۰۵ که بیهقی او را دیده بوده خیام مردی بوده است اقل هفتاد ساله و شاید نیز هشتادساله یا نود ساله، و بنا بر این سؤال نمودن خیام از بیهقی در خصوص معنی بیتی از حماسه بشرحی که در حواشی چهارم مقاله مستور است بلا شک از بیات تشویق و دل بدست آوردن آن طالب علم بسیار جوان بوده است از طرف آن استاد معمر محترم چنانکه در امثال این موارد مرسوم است، نه سؤال استفادۀ عالم از عالم و نظیر از نظیر چنانکه در بدو امر ممکن است توهم رود:

\*\*\*

بقیة این مقاله فاضلانہ کہ تکلمہ ایست در باب ملاقات ابوالحسن بیهقی مؤلف تاریخ بیهقی با حکیم عمر خیام و ترجمۀ حال او از قول خود بیهقی در کتاب دیگر وی موسوم بہ «تتمة صوان الحکماء»، ویس از آنچه صاحب چهارم مقاله عرضی در باب خیام نوشته قدیمترین ترجمۀ حالی در بارۀ آن مرد بزرگست در شماره آتیه طبع خواهد شد. «مهر»

۱ - وفيها | ای فی سنه ۴۶۷ | جمع نظام الملك والسطان ملكشاه جماعة من اعيان المنجمين وجعلوا النيروز اول نقطة من الحمل وكان النيروز قبل ذلك عند حلول الشمس نصف الحوت وصار ما فعلاه السلطان مبدأ التقاويم، وفيها أيضاً عمل الرصد للسلطان ملكشاه واجتمع جماعة من اعيان المنجمين في عمارة منهم عمر بن ابراهيم الخيامي وابوالمظفر الاسفرازي وميمون بن النجيب الواسطي وغيرهم وخرج عليه من الاموال شيئي عظيم وبقى الرصد دائراً الى ان مات السلطان سنة خمس وثمانين واربعمائة فبطل بعد موته (ابن الاثير در حوادث ۴۶۷).